Arabic Prose Studies
nasr-pajuhi.qom.ac.ir
Online: 3041-9646

The Role of Stream of Consciousness Techniques in Depicting Egyptian Society and Reflecting the Emotions of Its People in Naguib Mahfouz's 'The Day the Leader Was Killed'

Hossein Nazari[1] **& Mehrdad Aghaei**[2]

1 Corresponding author, M.A. in Arabic language and literature in University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran. Email: hosseinnazari30@yahoo.com
2 Associate Professor in Arabic language and literature in University of Mohaghegh Ardabili. Ardabil, Iran. Email: m.aghaei@uma.ac.ir

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:
Received 2025 Aug 11
Received in revised form 2025 Sept 25
Accepted 2025 Nov 01
Published online 2025 Sept 11

Keywords:
Contemporary Arabic Fiction, Naguib Mahfouz, The Day the Leader Was Killed, Stream of Consciousness, Interior Monologue.

ABSTRACT

Stream of consciousness is a narrative technique through which the author conveys the characters' thoughts, feelings, emotions, and inner mental state exactly as they flow in their minds, thereby minimizing the author's direct intervention in the narration. In this method, the author employs various devices to present characters to the reader, such as: direct and indirect interior monologue, limited third-person narration, private speech (soliloquy), poetic diction, linguistic fragmentation, and specific characterization. This study employs a descriptive-analytical methodology to examine the components of stream of consciousness in Naguib Mahfouz's story, The Day the Leader Was Killed. The research findings reveal that Mahfouz utilizes stream of consciousness techniques—including direct and indirect interior monologue, soliloquy, limited narration, poetic elements, and the use of frustrated and troubled characters—to vividly portray and describe the tumultuous state of Egyptian society during the era of Anwar Sadat, which was grappling with severe political and economic crises. Furthermore, Mahfouz successfully reflects the characters' internal feelings through the skillful use of these narrative elements.

Cite this article: Nazari, H., & Nazari, H., (2025)., The Role of Stream of Consciousness Techniques in Depicting Egyptian Society and Reflecting the Emotions of Its People in Naguib Mahfouz's 'The Day the Leader Was Killed'. *Arabic Prose Studies*, *2* (4). 37-53. **DOI**: https://doi.org/10.22091/npa.2025.13606.1039

© The Author(s)
DOI: 10.22091/npa.2025.13606.1039
Publisher: University of Qom

بحوث في النثر العربي
nasr-pajuhi.qom.ac.ir
الترقيم الدولي الموحد الإلكتروني: 9646 - 3041

دراسة التيار الوعي في رواية «يوم قتل الزعيم» لنجيب محفوظ

حسين نظري[١] ✉ و**مهرداد آقائی**[٢]

١ الكاتب المسؤول: الماجستير فی قسم اللغة العربية وآدابها بجامعة المحقق الأردبيلي، اردبيل، إيران. البريد الإلكتروني: hosseinnazari30@yahoo.com

٢ أستاذ مشارک فی قسم اللغة العربية وآدابها بجامعة المحقق الأردبيلي، اردبيل، إيران. البريد الإلكتروني: m.aghaei@uma.ac.ir

معلومات المقالة

نوع المادة: مقالة محكّمة

تاريخ الاستلام: ١١ اوت ٢٠٢٥

تاريخ المراجعة: ٢٥ سبتمبر ٢٠٢٥

تاريخ القبول: ٠١ نوفمبر ٢٠٢٥

تاريخ النشر: ٠٦ دسمبر ٢٠٢٥

الكلمات الرئيسة:
الرواية، تيار الوعي، نجيب محفوظ، رواية «يوم قتل الزعيم».

الملخّص

تُعد الرواية من الأجناس الأدبية المعاصرة في الأدب العالمي، وقد تطورت متأثرةً بالأدب الغربي في أدب الأمم الأخرى. كما يجب البحث عن جذور الرواية العربية في علاقة العالم العربي بالغرب، وانهيار الأسس الأدبية القديمة واستبدالها بأسس أدبية جديدة. تيار الوعي أسلوب سردي ينقل فيه الكاتب أفكار شخصيات القصة ومشاعرهم وانفعالاتهم وعقلياتهم كما تتدفق في أذهانهم، مع تقليص دور الكاتب في هذا الأسلوب السردي يعنى يعني يصبح دور الكاتب في هذا الأسلوب الروائي محدودًا ليصل إلى الحد الأدنى. يستخدم الكاتب في هذا الأسلوب السردي تقنيات مثل المونولوج الداخلي المباشر وغير المباشر، والسرد بصيغة الغائب المحدود، والسرد الذاتي، والشعر، والتشابك اللغوي، والشخصيات المحددة. تناولت هذه الدارسة، بأسلوب وصفي تحليلي مكونات تيار الوعي في قصة "يوم قتل الزعيم" لنجيب محفوظ، وتبيّن نتائج الدراسة أن محفوظ في سرد هذه القصة اتبع أسلوب تيار الوعي باستخدام المونولوج الداخلي المباشر وغير المباشر، والحوار الداخلي، والسرد المحدود، والأسلوب الشعري، واستخدام الشخصيات المضطربة والمُحبطة لتصوير أحوال المجتمع المصري في عهد أنور السادات، الذي عانى من أزمات سياسية واقتصادية عصيبة. وباستخدام هذه العناصر، جسّد مشاعر شخصيات القصة ببراعة.

الاقتباس: نظري، حسين و آقائی، مهرداد. (١٤٠٤). « دراسة التيار الوعي في رواية «يوم قتل الزعيم» لنجيب محفوظ». *بحوث في النثر العربي*، ٢ (٤). صص: ٥٣-٣٧. https://doi.org/10.22091/npa.2025.13606.1039

الناشر: جامعة قم

© المؤلفون.

نشر پژوهی عربی
nasr-pajuhi.qom.ac.ir
شاپا الکترونیکی: 9646-3041

کارکرد مؤلفه‌های جریان سیال ذهن در توصیف جامعه مصری و بازتاب احساسات افراد آن در داستان «یوم قتل الزعیم» نجیب محفوظ

حسین نظری[1] و مهرداد آقائی[2]

۱ نویسنده مسئول: کارشناسی ارشد گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران. رایانامه: hosseinnazari30@yahoo.com
۲ دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران. رایانامه: m.aghaei@uma.ac.ir

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۲۰
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۷/۰۳
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۱۰
تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۹/۱۵

چکیده

جریان سیال ذهن شیوه‌ای روایی است که در آن نویسنده افکار، احساسات، عواطف و ذهنیت شخصیت‌های داستان را همان‌گونه که در ذهن آن‌ها جریان دارد منتقل می‌کند و نقش نویسنده در این شیوه روایی به حداقل می‌رسد. نویسنده در این شیوه روایی، برای ارائه شخصیت‌ها به خواننده از روش‌هایی چون: تک‌گویی درونی مستقیم و غیرمستقیم، روایتگری به شیوه سوم شخص محدود، حدیث نفس، شعرگونگی، آشفتگی زبانی و شخصیت‌پردازی خاصی استفاده می‌شود. این جستار با روشی توصیفی-تحلیلی به بررسی مؤلفه‌های سیال ذهن در داستان یوم قتل الزعیم نجیب محفوظ پرداخته و دستاوردهای پژوهش مبین این است که محفوظ در روایت این داستان به شیوه سیال ذهن با استفاده از تک‌گویی درونی مستقیم و غیرمستقیم، حدیث نفس، راوی محدود، شعرگونگی و استفاده از شخصیت‌های سرخورده و مشکل‌دار، اوضاع جامعه مصری زمان انور سادات را که گرفتار بحران‌های سیاسی و اقتصادی دشوار بود به تصویر کشیده و توصیف نموده و با استفاده از این عناصر احساسات شخصیت‌های داستان را به خوبی منعکس کرده است.

کلیدواژه‌ها:
رمان معاصر عربی، نجیب محفوظ، رمان یوم قتل الزعیم، جریان سیال ذهن.

استناد: نظری، حسین و آقائی، مهرداد. (۱۴۰۴). «کارکرد مؤلفه‌های جریان سیال ذهن در توصیف جامعه مصری و بازتاب احساسات افراد آن در داستان «یوم قتل الزعیم» نجیب محفوظ». *نشر پژوهی عربی*، ۲ (۴). صص: ۵۳-۳۷. https://doi.org/10.22091/npa.2025.13606.1039

ناشر: دانشگاه قم

© نویسندگان.

۱) مقدّمه

رمان یکی از رایج‌ترین اشکال ادبی جهان معاصر و از نتایج عصر مدرن در حوزه ادبیات است. رمان در زبان فارسی، واژه‌ای با ریشه فرانسوی و معادل واژه novel در زبان انگلیسی است. رمان یک اثر روایی بلند منثور است که شکل داستانی آن در طول قرن هفدهم به تدریج شکل گرفت و در اوایل قرن هجدهم شکل مستقل به خود گرفت. جریان سیال ذهن، گونه‌ای شیوه روایی در ادبیات داستانی مدرن است که در آن نویسنده، افکار و احساسات شخصیت‌های داستان را به گونه‌ای منتقل می‌کند که دخالت مستقیمی در ذهن شخصیت‌های داستان نداشته باشد و می‌توان گفت که ریشه‌های جریان سیال ذهن را ابتدا باید در روان‌شناسی و بعد پست مدرنیسم قرن بیستم جست.

اصطلاح «جریان سیال ذهن» را اولین بار ویلیام جیمز (۱۹۱۰-۱۸۴۲) روان شناس، پزشک و فیلسوف آمریکایی با تعبیری روان‌شناختی به کار برد که این اصطلاح یک اصطلاح بلاغی و مجازی بود (همفری، ۲۰۰۰: ۲۱و۲۲) این اصطلاح بعدها وارد حوزه ادبیات شد و در تحلیل شخصیت‌های داستانی و نقد ادبی به کار گرفته شد. سیال ذهن که که به صورت «سیلان آگاهی» یا «سیلان ذهنی» نیز از سوی مترجمان مورد استفاده قرار گرفته، امروز از مفاهیم مشهور نقد ادبی است که برای توصیف شیوه خاصی از روایت مدرن قرن بیستم به کار می‌رود (محمدی، فسنقری، شهامت ده‌سرخ، ۱۴۰۴: ۱۳۴).

سیروس شمیسا جریان سیال ذهن را این گونه تعریف می‌کند: «در این شیوه روایتی، همه طیف‌های روحی و جریانات و مشغله‌های ذهنی قهرمان، در داستان مطرح شود. داستان، عرصه نمایش تفکرات و دریافت‌ها از جنبه‌های آگاهی و نیمه آگاهی و ناخودآگاهی، سیلان خاطرات و احساسات و تداعی معانی‌های بی‌پایان است. در شیوه جریان سیال ذهن، تکیه بیشتر بر لایه‌های پیش از گفتار است تا گفتارهای عقلانی؛ بدین معنی که در ذهن شخصیت یا شخصیت‌ها مطالب و مسائلی است که هنوز به صورت گفتار تبلور نیافته است، اما خواننده باید آن‌ها را حس کند» (شمیسا، ۱۳۷۶: ۱۷۲). در رمان «جریان سیال ذهن»، نویسنده تلاش می‌کند که با ثبت و ضبط تمامی حالات جزر و مد ذهن شخصیت‌های داستان، افکار و عواطف آن‌ها را به طور مستقیم از ذهنشان به سوی ما جاری کند و ما را با رویارویی تجربه ذهنی آن‌ها قرار دهد (مشفقی، ۱۳۸۹: ۷۱).

نجیب محفوظ (۲۰۰۶-۱۹۱۱) نویسنده، روزنامه‌نگار معاصری مصری است که آثار زیادی را با سبک رئالیسم خلق کرد. او نخستین و تنها نویسنده مصری است که جایزه نوبل ادبیات را کسب کرده است. محفوظ در بسیاری از آثار خود اوضاع طبقه متوسط مصر را در قرن بیستم که درگیر مشکلات اقتصادی و تغییر و تحولات سیاسی بود به تصویر کشیده و به باد انتقاد گرفت. محفوظ از کسانی‌است که آثار او دستمایه سریال‌ها و سینمایی‌های زیادی شده است.

۱-۱) پرسش‌های پژوهش

این جستار با روشی توصیفی-تحلیلی به بررسی مؤلفه‌های جریان سیال ذهن در روایت رمان «یوم قتل الزعیم» می‌پردازد و درصدد است تا کارکرد مؤلفه‌های این سبک روایی را در توصیف جامعه مصری و بازتاب احساسات افراد جامعه وقت مصری تبیین نماید. پژوهش حاضر درصدد پاسخ‌گویی به این سه سؤال است:

۱- چه مؤلفه‌هایی از جریان سیال ذهن در روایت رمان «یوم قتل الزعیم» نمود پیدا می‌کنند؟

۲- مؤلفه‌های جریان سیال ذهن چه کارکردی در توصیف جامعه مصری داشته‌اند؟

۳- جریان سیال ذهن در بازتاب احساسات شخصیت‌های رمان چقدر موفق بوده است؟

۱-۲) پیشینه پژوهش

درباره نجیب محفوظ، جریان سیال ذهن و رمان «یوم قتل الزعیم» پژوهش‌های متعددی انجام شده است که برخی از آن‌ها عبارتند از:

۱. مقاله «جریان سیال ذهن در رمان «الشحاذ» اثر نجیب محفوظ» (گودرزی لمراسکی و زندنا، ۱۳۹۲)، این مقاله بر آن است تا چگونگی نمود جریان سیال ذهن در رمان الشحاذ را بررسی کرده و پاسخ دهد که نویسندگان در این پژوهش، نمونه‌هایی از مؤلفه‌های جریان سیال ذهن را ذکر کرده‌اند اما به تحلیل و نتیجه گیری خوبی دست نیافته‌اند.

۲. پایان نامه «جریان سیال ذهن در رمان «اللص و الکلاب» نجیب محفوظ» (مقدسی، ۱۳۹۴)، این پژوهش رمان اللص و الکلاب را بر اساس شاخص‌های جریان سیال ذهن، مورد بررسی قرار داده است و بر اساس آن شیوه تک‌گویی درونی در رمان از سایر شیوه‌های سیال ذهن بیشتر نمود پیدا کرده و توانسته است تا به پرسش‌های خود پاسخ دهد و نویسنده رویکرد خوبی در بررسی جریان سیال ذهن در رمان داشته است.

۳. مقاله «تبیین رابطه‌ی نماد گرایی با داستان‌های جریان سیال ذهن» (عارفی، محمودی، عباسی، ۱۴۰۳)، این مقاله با هدف تبیین ارتباط میان نماد گرایی و جریان سیال ذهن، اقدام به توضیح ریشه‌های مکتب ادبی سمبولیسم، نظریات فلسفی و روان شناسی در رابطه با نمادگرایی و ارتباط آن با جریان سیال ذهن نموده است و بدین منظور، از دو داستان «سمفونی مردگان» و «شازده احتجاب»، نمونه‌هایی برای جریان سیال ذکر کرده است و نویسندگان معتقدند که نظریه‌های جدید فلسفی و روان‌شناختی در به وجود آمدن نمادگرایی و جریان سیال ذهن نقش داشته‌اند و این خود باعث ارتباط میان این دو شده است.

۴. مقاله «جریان سیال ذهن در رمان «الخائفون» اثر دیمه ونوس» (فارسی، زارع و شاهرخی، ۱۴۰۲)، این مقاله اقدام به بررسی تأثیر مؤلفه‌های روایی سیال ذهن در روایت رمان و کاربست ارتباط این شیوه‌های روایی با پدیده ترس در سوریه نموده و توانسته است تأثیر شیوه‌هایی چون حدیث نفس و تک‌گویی درونی، در نشان دادن ترس شخصیت‌های داستانی را تبیین نماید.

۵. مقاله «مؤلفه‌های پسانوگرایی در داستان یوم قتل الزعیم اثر نجیب محفوظ» (عسکری، خدادادیان و جهانشاهلو، ۱۳۹۹)، این پژوهش در صدد است تا تأثیر و کارکرد مؤلفه‌های پست مدرنیسم را در به تصویر کشیدن بی‌کفایتی سیاست مداران مصری نشان دهد. نویسندگان با ذکر شاخص‌های پسانوگرایی نظیر عدم قطعیت، عدم انسجام، اتصال کوتاه، تناقض و... و تحلیل آن‌ها توانسته‌اند به پرسش‌های خود درباره نمود و چگونگی نمود شاخص‌های پسانوگرایی پاسخ دهند.

بر اساس بررسی‌های انجام شده، درباره کارکرد مؤلفه‌های جریان سیال ذهن در توصیف جامعه مصری پژوهشی صورت نپذیرفته است و وجه تمایز پژوهش حاضر از پیشینه یاد شده این است که در این نوشتار، برای نخستین بار به مؤلفه‌های جریان سیال ذهن در «رمان یوم قتل الزعیم» و کارکرد آن‌ها در توصیف جامعه مصری، پرداخته شده است.

۲) خلاصه رمان

رمان «یوم قتل الزعیم» داستانی با مضمون سیاسی و اجتماعی به سبک جریان سیال ذهن است که در سال ۱۹۸۵ منتشر شد. این داستان بیانگر وضعیت جامعه مصری و بازتاب کننده اوضاع و احوال آن در زمان انور سادات است. جامعه‌ای که انقلاب ۱۹۵۲ افسران آزاد مصری، دوران جمال عبدالناصر با تمام نکات مثبت و منفی آن مانند زدودن رد پای انگلستان از مصر و شکست ننگین و مفتضحانه از اسرائیل و... را پشت سر گذرانده است و اکنون در دوره‌ای است که با رنگ و لعاب صلح کمپ دیوید و سیاست الانفتاح اقتصادی انور سادات تزیین یافته است. محتشمی زاید، علوان فواز محتشمی، رندهٔ سلیمان مبارک سه شخصیت اصلی این داستان که جوانب مختلف داستان از زبان آن‌ها نقل می‌شود، در جای جای داستان با توصیف شرایط جامعه، نارضایتی خود را اعلام می‌کنند.

این داستان، داستانی اجتماعی و سیاسی است و رویدادهای آن در دهه هشتاد قرن بیستم میلادی درون جامعه مصری با مشکلات اقتصادی حاصل از سیاست گشایش اقتصادی انور سادات اتفاق می‌افتد و از زبان سه شخصیت اصلی محتشمی زاید (پیرمردی سالخورده، ساکن قاهره و مذهبی که با پسرش فواز، عروسش هناء ونوه‌اش علوان زندگی می‌کند. او شدیدا مذهبی است و دوای درد خود را در مذهب و قرآن می‌یابد و نماد نسل سالخورده قدیمی است)، علوان فواز محتشمی (نوه محتشمی زاید و جوانی شاکی از روزگار به دلیل تنگدستی است که در یک شرکت دولتی مربوط به ترجمه کار می‌کند. او عاشق و نامزد رندهٔ سلیمان مبارک است که به دلیل مشکلات اقتصادی نمی‌تواند با رندهٔ ازدواج کند و نهایتا رئیس خود انور علام را به قتل می‌رساند و نماد نسل جوان ناامید از وضعیت کشور است) و رندهٔ سلیمان مبارک (دختر جوانی که نامزد و معشوقه علوان است که ۲۶ سال سن دارد اما به دلیل مشکلات اقتصادی نمی‌توانند ازدواج کنند و نهایتا خطبه عقد شان با اصرار مادر رندهٔ فسخ می شود و او هم نماد نسل جوان سرخورده از مشکلات و اوضاع نابسامان اقتصادی است) روایت می‌شود.

داستان به طور ضمنی به مسأله قتل و ترور رئیس جمهور مصر انور سادات در ششم اکتبر ۱۹۸۱ توسط خالد اسلامبولی یکی از اعضای گروه جهاد اسلامی (قتل انور علام توسط علوان در داستان) اشاره دارد.

۳) جریان سیال ذهن

جریان سیال ذهن، شیوه‌ای نسبتا نوین در بازنمایی گفتار داستانی است که بیشتر در رمان‌هایی با تم روان‌شناختی کاربرد دارد (عبدی وهمکاران، ۱۳۹۶: ۵۷). شیوه‌های روایت در جریان سیال ذهن یاری گرفتن از تک‌گویی درونی و حدیث نفس است (مختاری، زندنا، ۱۳۹۴: ۱۲۴).

تعاریف متعددی از جریان سیال ذهن ارائه شده، از جمله تعریفی که فلکی ارائه کرده است: «جریان سیال ذهن مجموعه درهم گسیخته تداعی‌ها، لحظه‌ها و عواطف است که در آن لایه‌های خودآگاه و ناخودآگاه از هم می‌گذرند» (فلکی، ۱۳۸۲: ۴۶؛ حبیبی و همکاران، ۱۳۹۴: ۴). در جریان سیال ذهن، دریافتها، عمل‌ها و عکس‌العمل‌ها از جنبه‌های آگاهی، نیمه آگاهی و ناخودآگاهی نمایش داده می‌شود و در آن تکیه، بیشتر بر لایه‌های پیش از گفتار است تا گفتارهای عقلانی (گودرزی لمراسکی، زندنا، ۱۳۹۲: ۱۶۳).

ویلیام فاکنر، ویرجینیا وولف، جیمز جویس، ساموئل بکت، فئودور داستایفسکی، حلیم برکات و نجیب محفوظ از جمله کسانی هستند که در روایت آثار خود از شیوه جریان سیال ذهن استفاده کرده‌اند.

۳-۱) جریان سیال ذهن و ادبیات عربی

جریان سیال ذهن، معادل عربی «تیار الوعی»، از برجسته‌ترین اسلوب‌های روان‌شناختی در نوشتن رمان‌های جدید است (أنیس، ۱۹۷۲: ۹۱). جریان سیال ذهن که با نظریه‌های روان‌شناختی پیدا شد، از ادبیات غرب و با ترجمه آثار نویسندگان غربی وارد کشورهای عربی شد و در مصر و به خصوص در رمان‌های نجیب محفوظ گسترش چشمگیری یافت (مختاری و زندنا، ۱۳۹۴: ۱۲۶). حال به بررسی وجود ویژگی‌های داستان‌های جریان سیال ذهن یعنی تک‌گویی درونی مستقیم و غیرمستقیم، راوی دانای کل، حدیث نفس، شعرگونگی و شخصیت پرداخته می‌شود.

۳-۲) شیوه‌های روایت در جریان سیال ذهن

در داستان‌هایی که با شیوه جریان سیال ذهن روایت می‌شوند، نویسندگان از شیوه‌ها و تکنیک‌های مختلفی استفاده می‌کنند. «مطالعه تجربیات موفق نویسنده‌های بزرگ، ما را به چهار تکنیک هدایت می‌کند که عبارتند از: تک‌گویی درونی مستقیم، تک‌گویی درونی غیر مستقیم، راوی دانای کل و حدیث نفس»(محمودی، ۱۳۸۹: ۵۴؛ حبیبی و نویسندگان، ۱۳۹۴: ۴). که در این جستار علاوه بر چهار ویژگی مذکور، شعرگونگی و شخصیت نیز در رمان یوم قتل الزعیم مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳-۳) تک‌گویی درونی مستقیم

تک‌گویی درونی گونه‌ای روایت است که در آن تجربیات درونی و عاطفی شخصیت‌های مختلف داستان نشان داده می‌شود. می‌توان گفت که تک‌گویی درونی نوعی انعکاس ذهن شخصیت‌ها در سطح پیش از گفتار است. تک‌گویی درونی را به تک‌گویی درونی مستقیم و غیرمستقیم تقسیم بندی کرده‌اند؛ مبنای این تقسیم بندی نیز حضور یا عدم حضور نویسنده در داستان است. در تک‌گویی درونی مستقیم فرض بر این است که نویسنده غایب است و تجربیات درونی شخصیت به طور مستقیم از ذهن او عرضه می‌شود؛ بنابراین، خواننده نیازی به صحنه‌آرایی و راهنمایی نویسنده ندارد (بیات، ۱۳۸۳: ۹۵).

تک‌گویی درونی انعکاس ذهن شخصیت‌ها در سطح پیش از گفتار است؛ بخشی که در آن ترتیب زمانی و نظم منطقی مطرح نیست و تصویرها و ذهنیت‌ها در این مرحله معرف عواطفی است که بر زبان جاری نشده‌اند (زارع برمی و کاظمی، ۱۳۹۹: ۶۸) در اینجا به ذکر سه نمونه از تک‌گویی درونی از زبان سه شخصیت اصلی داستان، (محتشمی زاید، علوان فواز محتشمی، رنده سلیمان مبارک) پرداخته می‌شود.

محتشمی زاید: «**لیت أمس رأیت فیما یری النائم سیدي أباذر و ترد علی خاطري هذه الحکایة: «قال محمد بن عطار، قال لي الشیخ محمد راهین یوما: کیف قلبك؟ فقلت له: لا أعرف کیفیته**»(محفوظ، ۲۰۲۲: ۳۱).

محتشمی می‌گوید که ابوذر را در خواب دیده و از خواب خود خشنود است و رویدادی صوفی‌منشانه برایش تداعی می‌شود که به دلیل شخصیت مذهبی و متصوف محتشمی، این خواب حتما حکمتی داشته و در صدد تعلیم نکته‌ای به محتشمی بوده است.

علوان فواز محتشمی: «فقمت ضامر الحيوية، كأننا غريبان سيذهب كل إلى وطنه، ولا شيء أقوى من الحب إلا الألم. تخايلت لعيني الوحدة المتربصة بي في نهاية الطريق، وطوال الطريق لم نتبادل كلمة ولا تحية عند الفراق داخل العمارة القديمة» (همان: ۳۶).

علوان سایه زشت جدایی را بر سر طالع خود و رنده حس می‌کند و به ناکارآمدی عشق شان پی می‌برد و می‌فهمد که از این پس تنهایی در کمین اوست.

رنده سلیمان مبارک: «قلت لنفسي- إنني يجب أن أسعد بالتحرر منه، إنني أخف مما كنت في أي يوم مضى-، هجرني وخانني، من غيره يسأل عن تعاستي ذات الأنياب الحادة؟» (همان: ۳۹).

رنده سلیمان مبارک پس از اینکه از علوان جدا می‌شود، تصمیم می‌گیرد که گذشته خود و علوان را فراموش کند و به خود می‌گوید که باید از او (علوان) رها شوم و یک رنده نو بسازم و در ذهن خود جهت تسلی خاطر خویش برای جدایی از رنده دلیل تراشی می‌کند.

چنان‌که قابل مشاهده است در بخش‌های مختلف داستان عواطف، احساسات، افکار و ذهنیت سه شخصیت اصلی داستان از زبان خودشان به شیوه تک‌گویی درونی مستقیم انعکاس یافته است.

۳-۴) تک‌گویی درونی غیر مستقیم

در تک‌گویی درونی غیرمستقیم نویسنده در داستان حضور دارد و همپای تک‌گویی درونی شخصیت حرکت می‌کند و ذهنیات او را به خواننده منتقل می‌کند. در این شیوه از تک‌گویی درونی نیز، نویسنده دانای کل محتویات لایه‌های پیش از گفتار ذهن شخصیت را چنان ارائه می‌کند که گویی این مطلب مستقیما از ذهن شخصیت نقل می‌شوند. البته باید توجه داشت که به محض حضور نویسنده در داستان، تک‌گویی درونی، غیرمستقیم نخواهد شد(بیات، ۱۳۸۳: ۹۵).

در این تک‌گویی، تداخل دو زاویه دید اول شخص و سوم شخص وجود دارد و روایت از منظر سوم شخص روایت می‌شود. نویسنده سوم شخص، وظیفه ارائه اطلاعات درباره شخصیت داستان را به خواننده برعهده دارد، سپس به درون شخصیت می‌رود و با تبدیل شدن به اول شخص، آن چه را که در ذهن او می‌گذرد، روایت می‌کند (فارسی و همکاران، ۱۴۰۲: ۷۴؛ میرصادقی، ۱۳۷۷: ۳۷۰).

محتشمی زاید: « سقيا لعهد الإيمان الساذج كما تذكره الذاكرة، وعهد الشك ومنازعاته ما أثراها بفتنة اليقظة، وعهد الإلحاد و تحدياته وغناها بالشجاعة والاقتحام، وعهد العقل وحواره الدائم وأخيرا عهد الإيمان والأمل، أصبح الموت آخر المغامرات الواعدة، مناجاته تهون حمل الاعباء على الحامل، سيجيء في ساعة ما سافرا عن وجهه وسوف أقول له بكل مودة: اقطف الثمرة وهي في تمام نضجها» (محفوظ، ۲۰۲۲: ۴۳).

محتشمی که پیرمردی متجرب اما ناراضی از وضعیت جامعه خود است، از روزگاران مختلفی صحبت می‌کند و به دلیل کهولت خود چنگال مرگ را حس می‌کند و بعد وضعیت مرگ خود را تجسم می‌کند و با خطاب قرار دادن مرگ، خود را میوه‌ای رسیده توصیف می‌کند که آماده چیده شدن (مرگ) است.

علوان فواز محتشمی: «لا يوجد شخص يستحق الاحترام، ولا فعل يستحق الثقافة، ولا وعد يستحق التصديق، ذلك التاريخ المنحدر ما بين العندليب الأسمر والغراب الأسمر، فلتكف الدكتورة عن إلقاء الشعارات، فهي زوجة وأم، وشربت العشق حتى الثمالة، فلنحتس الشاي في هناء، أو لتهنأ به وحدها أما أذوق له طعما» (همان: ۳۵).

علوان که در وضعیت مالی دشواری به سر می‌برد و از رنده هم جدا می‌شود، نسبت به همه چیز بدبین می‌شود و به استاد خود طعنه می‌زند و وضعیت زندگی او را بهتر تلقی می‌کند و می‌گوید که همراه (همفکر) با او به این زندگی ادامه بدهد یا خود به تنهایی.

رنده سلیمان مبارک: «الأمل في الزمن، هو أيضا يميت و يحيي، سيهلك المكروب ذات يوم ويتجلى وجه الشفاء، ولن يخذل الله مؤمنا صادقا، اليوم نتبادل الحديث ونتعاون كزميلين في مكتب واحد» (همان: ۵۱).

رنده به دلیل تربیت مذهبی توسط مادرش فردی مذهبی است و چون طعم تلخ جدایی را چشیده است، مأیوس شده و جهت فرار از این ناامیدی، به امید متوسل و خواستار اوضاعی خوب می‌شود و بعد وضعیت خود و علوان را که از هم جدا شده‌اند در محل کار ذکر می‌کند.

چنان‌که اشاره شد نویسنده نخست از دید سوم شخص اطلاعاتی را بیان می‌کند و بعد با تبدیل شدن به اول شخص روایت‌گر ذهنیات آن می‌شود.

۳–۵) راوی دانای کل (راوی محدود، روایت به شیوهٔ سوم شخص محدود)

این شیوه عبارت از نمایش داشته‌های ذهنی اشخاص به شیوه سوم شخص است. فرق این شیوه با دانای کل متعارف این است که در روایتگری ذهنی، نویسنده در ذهن شخصیت حضور مستمر دارد و بدین گونه امورات ذهنی و منویات شخصیت توصیف می‌شوند.

در دانای کل متعارف، امور محسوس برونی و رخدادها و حوادث خارج از ذهن توصیف می‌شوند. حسینی افزون بر تک‌گویی درونی مستقیم و غیرمستقیم دیدگاه دانای کل را یکی از شیوه‌های جریان سیال ذهن می‌داند(حری، ۱۳۹۰: ۳۸). دانای کل در داستان جریان سیال ذهن به ذهن یک شخصیت محدود است و محتوای ذهنی او را به شیوه توصیفی ارائه می‌کند(محمودی و صادقی، ۱۳۸۸: ۱۴۰).

راوی محدود برای ارائه اطلاعاتی درباره احوال و ذهنیت شخصیت داستان می‌تواند از دو شیوه گفتار مستقیم و گفتار غیرمستقیم استفاده کند، در گفتار مستقیم اندیشه و گفتار درونی شخصیت با نقل قول مستقیم روایت می‌شود اما در گفتار غیرمستقیم دیگر، بازگویی اندیشه و افکار شخصیت به صورت نقل قول مستقیم و با ضمیر من نیست، بلکه به صورت غیرمستقیم و با صدای خود راوی محدود و با ضمیر او است (مولودی، ۱۳۹۶: ۱۲۹).

از آنجا که راوی دانای کل داستان‌های سیال ذهن با راوی دانای کل متعارف به کلی متفاوت است، لذا منظور ما از دانای کل در این نوشتار همان شیوه روایتگری سوم شخص محدود یا راوی محدود است. راوی دانای کل بر همه شخصیت‌ها، موقعیت‌ها و عناصر زمانی و مکانی داستان اشراف دارد و هر چه را که بخواهد به خواننده ارائه می‌کند، اما راوی محدود گاه در آغاز و گاه در پایان روایت شخصیت داستان اطلاعاتی را ارائه می‌کند.

محتشمی زاید: «علوان انتهى من ارتداء قميصه نصف الكم وبنطلونه الرمادي، بدا ساعداه مفتولين، وزغب صدره من فتحة القميص فاحما، وتجلى الانسجام في قسمات وجهه المحتقنة بالحزن، شباب وجمال وأسى، ماذا يعتلج في أعماقه في هذه الساعة اللعينة؟ لم أذق مرارتها إلا في الشعر، هل لدي ما أقوله له؟ لم أجد سوى نظرة وابتسامة»(محفوظ، ۲۰۲۲: ۵۳).

محتشمی خبر از برگزاری نامزدی رنده پس از جدایی از علوان می‌دهد و وضعیت او را توصیف می‌کند، اما در باطن برای او ناراحت ا ست و می‌خواهد از افکارش آگاه شود. همان‌طورکه ذکر شد راوی محدود بر تمام جوانب یک شخصیت اشراف ندارد و اطلاعات محدودی را درباره شخصیت ارائه می‌دهد.

علوان فواز محتشمی: «تطايرت الأقاويل بعيدا عن مسمعها، ووا ضح أنه فشل كما يحدث للكثيرين ممن يتزوجون في سن متأخرة. لا..لا..إنه شاذ.. تأملوا حركات يديه، بل العلة في برودها، فالجمال الظاهر ليس كل شيء، يقال أيضا إنه توجد علاقة آثمة بينه وبين أخته، سمعت وتألمت، إني أحبك يا رندة كما كنت وأكثر، يحزنني أن أجدك في موقف منهزم» (همان: ۶۷).

علوان وقتی از طلاق رنده و انور علام باخبر می‌شود، مشاهده می‌کند که سخنان مختلفی درباره رنده و انور علام گفته می‌شود که غیرت علوان را بر می‌انگیزد، علوان علت طلاق را نمی‌داند و فقط گفته‌های همکارانش را ذکر می‌کند و از عجز خود در کمک به رنده غمگین است.

رنده سليمان مبارك: «بابا ساخر يسيء الظن بالبشر، ودأبه التنقيب وراء كل فعل حسن حتى يعثر له على تفسير قبيح، ورغم أنني ملت لتصديقه إلا أنني قلت: لأنه لم يعد يحتمل المزيد من اللوم فقد أقدم على تضحية أليمة، إني أعرفه خيرا منك يا بابا»(همان: ۴۰).

رنده سلیمان مبارک در توصیف پدرش سلیمان مبارک او را فردی بدبین معرفی می‌کند که همیشه به دنبال زوایای منفی یک مسأله است، اما درباره علوان به پدرش می‌گوید که علوان فداکاری بزرگی کرده و شناخت او نسبت به علوان بیشتر از پدرش است.

۳-۶) حدیث نفس

حدیث نفس یا خودگویی یا حرف زدن با خود، یکی از راه‌های به کارگیری جریان سیال ذهن است که شاعر یا نویسنده بیان بخش‌هایی از شعر یا داستان خود را به عهده آن می‌گذارد (سلامت نیا و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۲۱). در حدیث نفس شخصیت، افکار و احساسات را به زبان می‌آورد تا خواننده از نیات و مقاصد او باخبر شود (میرصادقی،۱۳۷۶ :۴۱۷).

حدیث نفس یا خودگویی، آن است که شخصیت، افکار و احساسات خود را به زبان بیاورد تا خواننده یا تماشاچی از نیات و مقاصد او باخبر شود (باقری، ۱۳۹۲: ۱۰۸).

محتشمی زاید: «تمنيت أن يرجع قبل أن أخلد للنوم، وعرضت لي فكرة قديمة جديدة، وهي أن الإنسان يجب أن يعشق الدنيا وأن يتحرر من عبوديتها في آن. وعدت أقول لنفسي- ما أكثر الأحباب الذين ذهبوا، وهل حقا عاشرتهم طويلا في هذه الدنيا الدائبة على أكل بنيها؟!»(محفوظ، ۲۰۲۲: ۵۵).

محتشمی از وضعیت زندگی نوه خود، علوان ناراحت است و می‌خواهد که راهکاری به او بدهد و بعد به خود می‌گوید: «چه یارانی که رفتند و آیا من با این دنیا معاشرتی طولانی داشته‌ام؟».

علوان فواز محتشـمی: «وقلت لنفسي- إنه علي أن أطوي هذه الصـحفة إلى الأبد. ولنتحمل الألم حتى نمحقه محقا، إن استسلمت للحزن جننت» (همان: ۵۷).

علوان که نامزدی‌اش فسـخ شـده اسـت به خود می‌گوید: «که باید خاطراتش با رنده را فراموش و غمش را تحمل کند، چون اگر تسلیم غم شود مجنون و دیوانه می‌شود.»

رنده سـلیمان مبارک: «وقلت لنفسي- إنني يجب أن أسعد بالتحرر منه، إنني أخف مما كنت في أي يوم مضى- هجرني وخانني. من غيره يسأل عن تعاستي ذات الأنياب الحادة؟ يجب أن أهنئ نفسي على التحرر منه. من الآن فصاعدا أستطيع أن أزن الأمور بعقل غير مشلول بقيود القلب. أنا حرة..أنا حرة..حسبي ذلك» (همان: ۳۹و ۴۰).

رنده پس از جدایی‌اش از علوان برای بهبود حال خود می‌گوید: باید از علوان رها شـوم، چرا که او به من خیانت کرده و مرا ترک کرد، من باید حتما از او رها شوم و به همه چیز با دیده عقل و به دور از قلب بنگرم.

۳-۷) شعرگونگی

نزدیک کردن زبان داستان به زبان شعر، از دیگر تکنیک‌هایی است که نویسندگان داستان‌های جریان سیال ذهن در نگارش آثارشان بدان دست یازیده‌اند. علت این امر را باید تصویری بودن زبان ذهن دانست و به همین سبب به زبان ذهن نزدیک‌تر بوده و در نگارش یک اثر به شیوه «جریان سیال ذهن»، می‌تواند حامل کارکردهای ویژه‌ای باشد(مشفقی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۹۶).

استفاده از عناصر شعری در اکثر آثاری که به شیوه جریان سیال ذهن روایت می‌شوند به خوبی مشهود است و گفته‌شد که علت این امر را باید در تصویری بودن زبان ذهن دانست و زبان شعری با بهره‌گیری و استعانت از صنایع ادبی همچون تشبیه، رمز، استعاره، تکرار، ایهام و ابهام و همچنین عناصر عاطفه و خیال قابلیت تصویرآفرینی بهتری نسبت به زبان معیار نوشتار دارد و همچنین توانایی بیشتری را برای بازگویی ذهنیت شخصیت‌های پست مدرنیسمی آثار جریان سیال ذهن داراست.

محتشـمی زاید: «ما أشـد شـعوري بالانفراد بك! حوالينا ولا علينا يا رب، كأيام شـارع خيرت المسـقوف بالشـجر، وتحت مظلة من الأفكار الحرة المسـتوردة، فكرية ورتيبة الممرضـتان وشـقاوة الغجر، الحياة فصـول، ولكل فصـل مذاقة، وطوبى لمن أحب الدنيا بما هي دنيا الله» (محفوظ، ۲۰۲۲: ۲۰).

محتشمی زاید خطاب به خدا می‌گوید: «بار الهی لطفت را از ما دریغ مکن و از خشمت مصون بدار و مرا در خلوت با تو چه احساس سرشاری ست، همچون خیابان خیرت با درختان سر به آسمان کشیده‌اش، در زیر چتری از افکار آزاد وارداتی همراه با پرستارها «فکریه» و «رتیبه» و شوربختی کولیان، زندگی یعنی فصل‌ها و هر فصل را طعمی ست و خوشا آن را که دنیا را به سان جهان خدا دوست دارد»، تشبیه یکی از عناصری است که در تکوین موجودیت شعر و رساندن محسوس مقصود شاعر نقش به سزایی دارد و در این جملات هم می‌توان تشبیه افکار به چتر، زندگی به فصل‌ها و خلوت با خدا را به تراکم درختان خیابان خیرت دید.

علوان فواز محتشـمی: «صـباح يوم جديد، قديم، جديد قديم، جديد قديم، جديد قديم، جديد قديم، قديم جديد، دوخيني يا ليمونة، إن لم يوجد قديم حسـن فليوجد سـيئ، أي شيء خير من لا شيء، الموت نفسـه تجديد، المشي- صـحة

واقتصـــاد، المفروض أنه طريق العشـــق والجمال فانظر ما هو، آه يا قدمي! آه يا حذائي! تحملا وتصـــبرا، هذا زمن التحمل والتصبر، في زمن النار والوحوش لا نسمة ترطب الفؤاد إلا أنت يا حبيبتي، للأشجار الباسقة فضل، وللنيل فضل أيضا لا ينكر، انظر إلى أعلى إلى السـحب البيضـاء ورءوس الأشـجار لتنسـى سـطح الأرض المجدور، سـتلقى يوما شـيطانا بريئا فتؤاخيه، صباح الخير أيها المكدسون في الباصات، وجوهكم تطل من وراء الزجاج المشروخ مثل المساجين في يوم الزيارة» (همان: ۱۱).

در این عبارات از زبان علوان فواز محتشمی می‌توان صنعت تضاد: (جدید، قدیم)، تشخیص و استعاره: (**دوخینی یا لیمونة**: مورد خطاب قرار دادن لیمو، آه یا قدمی! آه یا حذائي: خطاب قرار دادن گام و کفش)، پارادوکس: (**الموت نفسه تجدید**: مرگ خود نو شدن است، **ستلقی شیطانا بریئا فتواخیه**: ملاقات با شیطان بی‌گناه و دوست شدن با آن: خود نوعی پارادوکس است)، نماد: (**زمن النار والوحوش**: زمانه دیکتاتوری و دیکتاتورها، نار نماد دیکتاتوری و استبداد و وحوش نماد دیکتاتورها)، تشبیه: (**وجوهکم مثل المساجین في یوم الزیارة**: چهره‌هایتان چون زندانیان روز ملاقات است) و... پیدا کرد که نویسنده از آن‌ها برای تقویت زبان شعری داستان استفاده کرده است.

رنده سـلیمان مبارک: «الأمل في الزمن هو أيضـا يميت ويحيي سـيهلك المكروب ذات يوم ويتجلى وجه الشـفاء ولن يخذل الله مؤمنا صادقا نتعاون كزميلين غريبين لم يذوبا في قبلة قط» (همان: ۵۱).

در عبارت‌های بالا می‌توان تشخیص و استعاره و پارادوکس را در (**الأمل في الزمن هو أيضا يميت و يحيي**): میراندن و حیات بخشی امید (تشخیص و استعاره) و میراندن و زنده کردن همزمان امید (پارادوکس) یافت.

۳-۸) شخصیت‌پردازی

یکی از شیوه‌های شخصیت‌پردازی و آفرینش شخصیت ارائه درون بدون تعبیر و تفسیر است که در این شیوه خواننده شخصیت را غیرمستقیم با نمایش اعمال و کنش‌های ذهنی و عواطف درونی وی می‌شناسد(گودرزی لمراسکی و زندنا، ۱۳۹۲: ۱۷۰).

شخصیت‌پردازی ویژه داستان‌های جریان سیال ذهن، از مهم‌ترین شاخصه‌هایی است که یک نویسنده جهت نیل به موفقیت در نگارش داستان جریان سیال ذهن باید به آن توجه داشته باشد (مشفقی و علیزاده، ۱۳۸۹: ۱۹۳).

افراد داستان شخصیت داستان را شکل می‌دهد و حیات و خلق یک اثر به وجود اشخاص آن بستگی دارد. عنصر اصلی و اساسی در داستان که رابطه بین عناصر را به هم محکم می‌کند شخصیت است (باقری، ۱۳۹۲: ۱۴).

در داستان‌های روان‌شناختی سیال ذهن، شخصیت مجموعه‌ای از آگاهی‌ها و تجارب پراکنده محسوب می‌شود. در این داستان‌ها انسان چنان‌که هست چون یک فرد در قدرت‌های روحی و ضعف‌هایش، در ساحت‌های گوناگون وجودی و روانی‌اش به ویژه در زندگی درونی و شخصیت پذیرش مطرح است و تنها با نفوذ در لایه‌های پنهانی و عمیق وجود او می‌توان آگاهی‌ها و تجارب مختلف درونی‌اش را به یکدیگر پیوند زد، در نتیجه ویژگی خصـوصـی هر فرد در کشمکش‌ها، ستیزه‌ها، در تضادهای فرد با جمع، در کوره راه حوادث و گیر و دارهای احساسی احتمال بروز دارند (دری و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۷و۴۸).

در این داستان، نجیب محفوظ جنبه‌های مختلف سه شخصیت اصلی داستان (محتشمی زاید، علوان فواز محتشمی، رنده سلیمان مبارک) و سایر شخصیت‌های آن را در لابه‌لای تک‌گویی‌ها، حدیث نفس‌ها و مکالمات سه شخصیت مذکور ارائه می‌کند.

محتشمی زاید: اللهم إني أنام بأمرك وأصحو بأمرك، أنا منبه هذه الأسرة المرهقة، أنقر باب الحجرة بأصبعي هاتفا: فواز، وأهمس بقلب مفعم بالعطف عليه وعلى جيله: «علوان.. اصحُ، وأستمع إلى قرآن الصباح في الراديو حتي تناديني هناء زوجة ابني: «السفرة جاهزة يا عمي» (محفوظ، ۲۰۲۲: ۷) كيف أستطيع تجنب هموم الدنيا ومعي حفيدي المحبوب؟! (همان: ۲۱).

محتشمی زاید پیرمرد مذهبی، بازنشسته و با افکار صوفی‌گرایانه است که با خانواده خود (فواز=پسرش، هناء=عروسش و علوان=نوه‌اش) زندگی می‌کند و از اینکه نمی‌تواند کاری برای حل مشکلات اقتصادی آن‌ها بکند و یا راهنمایی برای علوان باشد ناراحت است و ابعاد شخصیتی محتشمی از حدیث نفس‌ها و تک‌گویی‌های خودش و علوان ارائه می‌شود.

علوان فواز محتشمی: «ما أنا إلا يتيم، فقدت أبوي بعد أن فقدا نفسهما في عمل يتواصل من الصباح حتى المساء، موزعين بين الحكومة والقطاع الخاص في سبيل اللقمة والضرورة، لا نلتقي إلا خطفا (همان: ۱۱) أعمل حينا وأسترق النظر إلى حبيبتي رندة حينا (همان: ۱۲) لا نجتمع اليوم للمناجاة، ولكن لمناقشات توشك أن تلحقنا بالمجموعة الاقتصادية، الشقة..الأثاث..أعباء الحياة المشتركة، لا حل لديها ولا حل لدي، أعلنت الخطبة في عهد الناصرية، وواجهنا الحقيقة في عصر الانفتاح، إني مسئول مطارد تحاصره التساؤلات، وهي جميلة ومطلوبة، أنا قائم مثل السد في طريق حظها (همان: ۱۲) ثار غضبي على علوان، أثبتت أنه أضعف مما تصورت، وأنه خليق أن يبقى حائرا بلا مرفأ إلى الأبد» (همان: ۳۹).

علوان جوانی در دهه بیست زندگی خود که نامزد رنده است، اما به دلیل مشکلات اقتصادی کشور نمی‌تواند با او ازدواج کند و نهایتا نامزدی‌شان به دلیل مشکلات و دخالت اطرافیان از هم می‌پاشد و در نهایت داستان علوان، انور علام را به دلیل بی‌احترامی‌اش به رنده به قتل می‌رساند. رنده پس از جدایی‌اش از علوان او را مردی ضعیف و شایسته تنها ماندن توصیف می‌کند و شخصیت علوان از زبان خود او، محتشمی زاید و رنده توصیف می‌شود.

رنده سلیمان مبارک: صليت العصر ـ والظهر معا (همان: ۱۶) فقال وهو يرمقني بامتنان: أحبك، فقلت وأنا في غاية من التأثر: أحبك (همان: ۲۸).

رنده دختری در دهه بیست زندگی خود که با نامزدش علوان در یکجا کار می‌کند و با اینکه عاشق علوان است، اما با دخالت‌های اطرافیان و وضعیت سخت هردوشان نامزدی‌شان فسخ می‌شود و شخصیت رنده که یکی از شخصیت‌های اصلی داستان نیز است، به وسیله حدیث نفس‌ها و تک‌گویی‌های درونی خود رنده، محتشمی زاید و علوان بیان می‌شود.

فواز (پدر علوان) و هناء (مادر علوان):«مازال فواز مائلا للبدانة وهويستعين بالخبز ومثله هناء ولكنها تسرع نحو الكبر قبل الأوان (همان: ۸)، إنه وزوجه يعملان في شركة قطاع خاص ودخلهما ومعاشي ومرتب علوان تفي بالكاد (همان: ۸)، ليس كذلك الحال في شقة حبيبي، الجد والأب والأم يصلون ويصومون» (همان: ۱۶).

فواز و هناء پدر و مادر علوان که برای امرار معاش و تامین حداقل زندگی دو شـیفت کار می‌کنند و از نامزدی علوان با رنده ناراضی‌اند و این دو شخصیت به وسیله محتشمی زاید، علوان و تا حدودی رنده توصیف می‌شود.

زینب (مادر رنده) و سـلیمان (پدر رنده): «ماما بدينة، وكانت كذلك من قديم، تصلي وهي قاعدة على الكنبة (همان: ۱۵) إني مصغ إليك يا زينب هانم، عندك حسن التقدير، البنت يا محتشمي بك على وشك الضياع، فلنبذل جهدا للإنقاذ، وليفعل الله ما يشاء، ربما وجد كلاهما ما يناسبه (همان: ۳۲-۳۱)، أبي نائم فوق مقعده، ألثم جبينه فيختلج جفناه، يبتسم بحنان، هزلت وضعفت، لعنة الله على الروماتزم. لادينية أبي اليوم ساطعة مثل شيخوخته ومرضه، لم يتفوه أبدا كلمة مريبة، ولكن في السلوك ما يكفي، في ثورات غضبه يسب الدين (همان: ۱۵و۱۶) بابا ساخر يسيء الظن بالبشر، ودأبه التنقيب وراء كل فعل حسن حتى لم يعثر له على تفسير قبيح» (همان: ۴۰).

سـلیمان و زینب والدین رنده که آن‌ها نیز همچون والدین علوان از نامزدی‌شـان ناراضـی و ناراحتند و درگیر مشکلات اقتصادی هستند و حقوق بازنشستگی شان کفاف زندگی شان را نمی‌دهد و نامزدی رنده و علوان با اصرار مادر رنده، زینب خانم باطل می‌شـود و عمده ابعاد شـخصـیت‌های آن دو از زبان رنده و کمی نیز از زبان محتشـمی و علوان توصیف می‌شود.

سناء (خواهر رنده): «انضمت أختي المطلقة سناء التي تشاركني حجرة نومي، إنها تدرس السكرتارية في معهد خاص لتجد لها عملا فلا تكون عالة على أحد (همان: ۱۵) أختي سـناء تزوجت عن حب وقنعت بالثانوية العامة ونصـيب سـت البيت، وشاب من ذوي الأملاك ثم لم توفق، ومات الحب» (همان: ۱۶).

سناء خواهر رنده و زنی مطلقه که به دلیل شکست در ازدواج فردی سرخورده است و مدام تأخیر ازدواج رنده را به او گوشزد می‌کند و این شخصیت در داستان از زبان رنده سلیمان مبارک توصیف می‌شود.

انور علام: «دعينا إلى مقابلة مدير الإدارة أنور علام، إنه مدير لطيف المعاملة، جميل الاسـتقبال، محب للدعاية، نحيل طويل غامق السمرة، مستدير العينين ذو نظرة نافذة، وأيضا كهل يشارف الخمسين من عمره وأعزب» (همان: ۱۳).

انور علام مدیر علوان و رنده که با دخالت در زندگی شخصی آن‌ها، سبب فسخ نامزدی شان می شود و سعی در تحقیر علوان در نزد رنده و متضرر نشان دادن او به دلیل تأخیر ازدواجشان دارد و نهایتا بعد از فسخ نامزدی علوان و رنده، به رنده پیشنهاد ازدواج می‌دهد و او نیز قبول می‌کند، اما از آن‌جا که رنده هیچ حسی به او ندارد و انور علام هم فردی با مشکلات اخلاقی است زود از هم طلاق می‌گیرند و علوان او را به دلیل بی‌حرمتی به رنده به قتل می‌رساند و نام و مرگ انور علام به طور ضمنی به مرگ انور سادات، رئیس جمهور فقید مصر اشاره دارد و شخصیت انور علام که مدیر علوان و رنده نیز است از زبان آن دو بیان می‌شود.

جولستان(گلستان): «في أثناء ذلك دخلت الأرملة بالشاي ، تعارف بيننا وقدمها قائلا: جولستان أختي، من النظرة الأولى شـعرت بأنني أمام امرأة يقع عمرها ما بين الأربعين والخمسـين، مقبولة المنظر، ممتلئة في تكوين حسـن، مثيرة رغم رزانتها واحتشامها» (همان: ۲۴).

جولستان خواهر انور علام و زنی مطلقه در دهه چهل زندگی خود است و هرچند که خود را خوب جلوه می‌دهد، اما قصد اغوای علوان را دارد که با مرگ برادرش به دست علوان نقشه‌اش عملی نمی‌شود و از زبان رنده و علوان شخصیت او بیان می‌شود.

۴) نتیجه‌گیری

نجیب محفوظ در روایت داستان «یوم قتل الزعیم» به شیوهٔ سیال ذهن از مؤلفاتی نظیر تک‌گویی درونی مستقیم و غیر مستقیم، راوی محدود، حدیث نفس، شعرگونگی و شخصیت‌پردازی خاص سیال ذهنی استفاده کرده است تا احساسات شخصیت‌های مختلف داستان را نسبت به بی‌تکلیفی دو جوان نامزد، گرانی، استبداد، تورم و...به خوبی منعکس کرده و وضعیت جامعه مصری را توصیف کند و در این امر موفق بوده است.

نجیب محفوظ در این داستان با استفاده از تک‌گویی درونی مستقیم افکار، احساسات و ذهنیت سه شخصیت اصلی داستان (محتشمی زاید، علوان فواز محتشمی و رنده سلیمان مبارک) و همچنین نظریات آن‌ها درباره سایر شخصیت‌های داستان مانند فواز و هناء (والدین علوان)، سلیمان، زینب و سناء (والدین و خواهر رنده)، انور علام و جولستان بیان می‌کند و با استفاده از تک‌گویی درونی غیر مستقیم و روایتگری به شیوه سوم شخص محدود (راوی محدود) دیگر زوایای مخفی از زندگی شخصیت‌های مختلف داستان و همچنین اطلاعاتی درباره زندگی و جهان طبیعت را بیان و آشکار می‌کند.

حدیث نفس از دیگر مؤلفه‌های جریان سیال ذهن است که در این داستان در همه جای داستان و از زبان سه شخصیت اصلی آن تجلی می‌یابد، اما به نوعی در حدیث نفس‌های موجود در این داستان می‌توان اضطرابات روانی و آشفتگی‌های ذهنی آن‌ها را هرچند که گذراست مشاهده کرد.

به دلیل قرار گرفتن دو تن از شخصیت‌های داستان (علوان و رنده) در هاله‌ای از عشق و وجود فضایی احساسی در کل داستان، عنصر و مؤلفه شعرگونگی در داستان به خوبی نمود پیدا می‌کند و شخصیت‌های علوان و رنده با استفاده از یک زبان ادبی و شعری و عناصر چکامه‌ای مانند استعاره، تشخیص، تشبیه، رمز و نماد و قوه خیال و عاطفه احساسات خود را بیان می‌کنند، هرچند که از بین علوان و رنده عنصر شعرگونگی در گفتار علوان بیشتر است. محتشمی زاید نیز از آنجا که فردی باسواد ادبی و دینی است، سرد و گرم روزگار را چشیده است، چنگال مرگ را بر سایه حیات خود حس می‌کند و از وضعیت موجود جامعه و نابسامانی‌های آن که درگیر خانواده‌اش است ناراضی است و گاه این نارضایتی را با زبانی شعری به صورت تک‌گویی درونی مستقیم و غیر مستقیم ابراز می‌نماید.

در مورد شخصیت پردازی داستان نیز می‌توان گفت که محفوظ شخصیت‌پردازی مختص جریان سیال ذهن را هم رعایت کرده است و تمام شخصیت‌های اصلی و غیراصلی داستان درگیر مشکلات اجتماعی، شخصیتی و مالی هستند و شناخت ما از شخصیت‌های داستان به وسیله سه شخصیت (محتشمی زاید، علوان فواز محتشمی و رنده سلیمان مبارک) صورت می‌گیرد و تمام اطلاعات درباره شخصیت‌های مذکور و سایر شخصیت‌ها نیز از لا به لای تک‌گویی‌ها و حدیث نفس‌ها و مکالمات این سه شخصیت به دست می‌آید.

منابع و مأخذ

أنیس، ابراهیم والآخرون، (۱۹۷۲م). **المعجم الوسیط**، القاهره، المکتبة الإسلامیة.

باقری، مرتضی، (۱۳۹۲ش). « **شخصیت و شخصیت پردازی در رمان میرامار نجیب محفوظ**»، کار شنا سی ار شد، حسین یو سفی آملی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه مازندران.

بیات، حسین، (۱۳۸۳ش). «**نقد و بررسی شیوه جریان سیال ذهن در ادبیات داستانی ایران**»، دکتری، تقی پورنامداریان، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.

ـــــــــــ (۱۳۸۷ش). **داستان نویسی جریان سیال ذهن**، چاپ اول، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.

حبیبی، علی اصغر؛ پاسه، آشورقلیچ؛ نریمان، نادر و ظفری، حسنا (۱۳۹۴ش)، «**بررسی مؤلفه‌های داستان‌های جریان سیال ذهن در رمان «میرامار» نجیب محفوظ**»، همایش بین‌المللی جستارهای ادبی، زبان و ارتباطات فرهنگی.

حری، ابوالفضل، (۱۳۹۰ش). «**وجوه بازنمایی گفتمان روایی: جریان سیال ذهن و تک‌گویی درونی**»، پژوهش ادبیات معاصر جهان، شماره۶۱بهار، صص ۴۰-۲۵.

دری، نجمه، موسوی، کاظم، هاتف الحسینی، زهرا، (۱۳۹۲ش). «**نمود ویژگی‌های جریان سیال ذهن در داستان ماهان**»، پژوهشنامه ادب غنایی دانشگاه سیستان و بلوچستان، شماره۲۰بهار، صص۶۴-۴۵.

زارع برمی، مرتضی و کاظمی، فاطمه، (۱۳۹۹ش). «**تحلیل رمان السقوط فی الشمس اثر سناء شعلان بر مبنای نظریه جریان سیال ذهن**»، فصلنامه لسان مبین (پژوهش ادب عربی)، شماره ۴۰تابستان، صص ۸۰-۶۳.

سلامت نیا، فرید؛ خیرخواه برزکی، سعید و مدرس زاده، عبدالرضا، (۱۳۹۸ش). «**حدیث نفس در شعر فروغ فرخزاد و نازک الملائکه**»، مطالعات ادبیات تطبیقی، سال سیزدهم، شماره ۵۰ تابستان، صص۱۳۷-۱۱۹.

شمیسا، سیروس، (۱۳۷۶ش). **انواع ادبی**، تهران، فردوس، چاپ پنجم.

عبدی، صلاح الدین؛ عباسی، نسرین و افضلی، زهرا، (۱۳۹۶ش). «**بررسی و تحلیل تک‌گویی درونی و جریان سیال ذهن در رمان «الطنطوریه» اثر رضوی عاشور**»، دوفصلنامه تخصصی مطالعات داستانی، سال چهارم، شماره اول، بهار و تابستان، صص۷۴-۵۷.

فار سی، بهنام؛ زارع، ساجد و شاهرخی، فاطمه، (۱۴۰۲ش). «**جریان سیال ذهن در رمان الخائفون اثر دیمه ونوس**»، فصلنامه لسان مبین (پژوهش زبان و ادب عربی)، شماره۵۱بهار، صص۸۸-۶۷.

فلکی، محمود، (۱۳۸۲ش). **روایت داستان (تئوری‌های پایه‌ی داستان‌نویسی)**، چاپ اول، تهران، بازتاب نگار.

گودرزی لمراسکی، حسن و زندنا، معصومه (۱۳۹۲ش)، «**جریان سیال دهن در رمان «الشحاذ» اثر نجیب محفوظ**»، فصلنامه لسان مبین، سال چهارم، شماره۱۱، صص ۱۷۹-۱۶۱.

محفوظ، نجیب، (۲۰۲۲م). **یوم قتل الزعیم**، وینزر، هنداوی.

محمدی، علی اکبر، فسنقری، حجت الله، شهامت ده‌سرخ، نصیبه، (۱۴۰۱ش). «**کارکرد تکنینک‌های روایی و ترفندهای زبانی در رمان‌های سیدات القمر جوخه الحارثی و پاییز فصل آخر سال است نسیم مرعشی از منظر جریان سیال ذهن**»، کاوش نامه ادبیات تطبیقی، شماره۲، تابستان، صص ۱۵۰-۱۳۱.

محمودی، محمدعلی و صادقی، هاشم، (۱۳۸۸ش). «**تداعی و روایت دا ستان جریان سیال ذهن**»، فصلنامه پژوهش‌های ادبی ادبی، سال ششم، شماره۲۴ تابستان، صص ۱۴۴-۱۲۹.

محمودی، محمدعلی، (۱۳۸۹ش). **پرده پندار: جریان سیال ذهن و داستان‌نویسی ایران**، چاپ اول، مشهد، مرندیز.

مختاری، قا سم؛ زندنا، معصومه، (۱۳۹۴ش). «**برر سی جریان سیال ذهن در رمان «اللص والکلاب» اثر نجیب محفوظ**»، فصلنامه لسان مبین، سال ششم، شماره۱۹ بهار، صص۱۳۹-۱۲۲.

مشفقی، آرش؛ علیزاده خیاط، ناص، (۱۳۸۹ش). «**جریان سیال ذهن در دا ستان‌های م صطفی م ستور**»، فصلنامه علمی پژوهشی «پژوهش زبان و ادبیات فارسی»، شماره۱۷تابستان، صص۲۰۹-۱۸۱.

م شفقی، آرش، (۱۳۸۹ش).«**جریان سیال ذهن در ادبیات دا ستانی فار سی معا صر**»، دکتری، نا صر علیزاده، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تربیت معلم آذربایجان.

مولودی، فواد، (۱۳۹۶ش). «**نقدی بر نخستین نمونه روایتگری سوم شخص محدود در داستان فارسی**»، ادبیات پارسی معاصر، شماره۲تابستان، صص۱۴۷-۱۲۷.

میرصادقی، جمال، (۱۳۷۶ش). **عناصر داستان**، تهران، سخن.

میرصادقی، جمال؛ میرصادقی، میمنت، (۱۳۷۷ش). **واژه‌نامه هنر داستان نویسی**، تهران، مهناز.

همفری، رابرت، (۲۰۰۰م). **تیار الوعی فی الروایة الحدیثة**، ترجمه دکتر محمود الربیعی، قاهره، دار غریب.

References

Abdi, Salah al-Din, Abbasi, Nasrin, Afzali, Zahra (2017), "A Study and Analysis of Internal Monologue and the Flow of Mind in the Novel "Al-Tanturiyeh" by Razavi Ashour", Specialized Bi-Quarterly Journal of Fiction Studies, Year 4, Issue 1, Spring and Summer, pp. 57-74. (In Persian)

Anis, Ibrahim Al-Walghir (1972), Al-Mu'jam Al-Wasit, Cairo, Al-Muktab Al-Islamiya. (In Arabic)

Bagheri, Morteza (2013), "Character and Characterization in Najib Mahfouz's Novel Miramar", M.A., Hossein Yousefi Amoli, Faculty of Humanities and Social Sciences, University of Mazandaran. (In Persian)

Bayat, Hossein (2004), "Criticism and Study of the Flow of Mind Method in Iranian Fiction", Ph.D., Taghi Pournamdarian, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University. (In Persian)

Darri, Najmeh, Mousavi, Kazem, Hatef al-Husseini, Zahra (2013), "Representation of Flow of Mind Features in Mahan's Story", Journal of Lyrical Literature, University of Sistan and Baluchestan, Spring Issue 20, pp. 45-64. Doi: 10.22111/JLLR.2013.1022 (In Persian)

Falaki, Mahmoud (1382), Story Narration (Basic Theories of Story Writing), First Edition, Tehran, Baztab Negar. (In Persian)

Farsi, Behnam, Zare, Sajid, Shahrokhi, Fatemeh (1402), "The Flow of the Mind in the Novel Al-Khaifun by Dimeh Vanus", Lisan Mobin Quarterly (Arabic Language and Literature Research), Spring Issue 51, pp. 88-67.
Doi: 10.30479/lm.2021.13433.3044(In Persian)

Goodarzi Lamaraski, Hassan, Zandana, Masoumeh (2013), "The Flow of the Mouth in the Novel "Al-Shahz" by Najib Mahfouz", Lisan Mobin Quarterly, Year 4, Issue 11, pp. 179-161. (In Persian)

Harri, Abolfazl (2011), "Forms of Representation of Narrative Discourse: Flow of Mind and Internal Monologue", Research on Contemporary World Literature, Spring Issue 61, pp. 25-40. (In Persian)

Humphrey, Robert (2000), The Current of Awareness in Modern Fiction, translated by Dr. Mahmoud Al-Rubaie, Cairo, Dar Gharib. (In Persian)

Mahfouz, Najib (2022), The Day of the Murder of Al-Za'im, Winzer, Hindawi. (In Arabic)

Mahmoudi, Mohammad Ali (2010), The Curtain of Imagination: The Flow of the Mind and Iranian Story Writing, First Edition, Mashhad, Marandiz. (In Persian)

Mahmoudi, Mohammad Ali, Sadeghi, Hashem (2009), "Association and Narration of the Flow of Mind Story", Literary Studies Quarterly, Volume 6, Issue 24, Summer, pp. 129-144. (In Persian)
20.1001.1.17352932.1388.6.24.6.7: Dor

Mokhtari, Ghasem, Zandana, Masoumeh (2015), "A Study of the Flow of Mind in the Novel "The Thief and the Club" by Najib Mahfouz", Literary Studies Quarterly, Volume 6, Issue 19, Spring, pp. 139-122. (In Persian)

Mushfeghi, Arash, Alizadeh Khayat, Naser (2010), "The Flow of Mind in the Stories of Mostafa Mastour", Persian Language and Literature Research Quarterly, Issue 17, Summer, pp. 209-181. (In Persian)

Molavi, Fawad (2017), "A Critique of the First Example of Third-Person Limited Narration in Persian Fiction", Contemporary Persian Literature, Issue 2, Summer, pp. 147-127. (In Persian)

Mirsadeghi, Jamal (1997), Elements of Story, Tehran, Sokhan. (In Persian)

Mirsadeghi, Jamal, Mirsadeghi, Maymant (1998), Dictionary of the Art of Story Writing, Tehran, Mahnaz. (In Persian)

Salamatnia, Farideh, Khairkhah Barzaki, Saeed, Modarrezadeh, Abdolreza (2019), "The Hadith of the Soul in the Poetry of Forough Farrokhzad and Nazq al-Malaika", Comparative Literature Studies, Year 13, Issue 50, Summer, pp. 137-119. (In Persian)

Shamisa, Sirous (2010), Literary Varieties, Fourth Edition, Tehran, Mitra Publishing House. (In Persian)

Zare Barmi, Morteza, Kazemi, Fatemeh (2019), "Analysis of the Novel Al-Stuqoet fi al-Shams by Sana Shaalan Based on Flow of Mind Theory", Quarterly Journal of Lisan Mobin (Arabic Literature Research), Summer Issue 40, pp. 63-80. Doi: 10.30479/lm.2020.13092.3008. (In Persian)